

گفت و گویی با شیخ عزالدین حسینی ، از مذهب‌یون دگراندیش و تبعیدی  
**دوران دین سالاری به پایان رسیده است**



عرفان قانعی فرد

شیخ عزالدین حسینی همان است که در دوران تحصیل و تدریس فقه و اصول ، در کردستان به مخالف شهرت داشت و در آغاز انقلاب ایران ، شیخ عزالدین حسینی، از رهبران روحانی سنی‌های **کردستان** ، خواستار به رسمیت شناختن ملیت، قانون اساسی ایران بود که حقوق فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و اجتماعی همه گروه‌های قومی رسماً و قانوناً شناخته شود و مرزهای استانی مجدداً ترسیم گردد. با برافروخته شدن لهیب آتش در منطقه و درگیری‌ها ، با وجود توافقی صوری و ظاهری بین دولت و کرد ها ، صدها گروه و دسته نابود و هزاران نفر تلف شدند . گروه‌های خودمختاری طلب و دموکراسی خواه در آغاز انقلاب ایران به فعالیت جهت برقراری حکومت خودمختاری پرداختند، ناآرامی و اغتشاش مانع شد تا دولت نظر مساعدی درباره خواسته آنان داشته باشد. شاید اگر احزاب می‌توانستند خواسته خود را به دولت ایران اعلام دارند، چنین نمی شد . اما هیئت‌های اعزامی و مأمور برای ایجاد سروسامان کردها به آن دیار آمدند و خواسته خودمختاری کردها - که بیشتر توسط عبدالرحمن قاسملو و شیخ عزالدین حسینی اعلام می‌شد - در آن فضا قابل پذیرش نبود.

عملکرد احزاب و شاید سیات جنگ افروزی و تفرقه افکنی ، دولت را وادار به اعزام نیرو جهت سرکوب و رفع بحران کردستان نمودند. بعد از سفرهای مکرر فروهر، طالقانی به همراه بهشتی، رفسنجانی و بنی‌صدر وارد سنندج شدند و با سران کرد به مذاکره پرداختند و نخستین فردی که در این مذاکره حضور داشت شیخ عزالدین، بلوریان و صادق‌وزیری بود .

شیخ عزالدین و مفتی‌زاده با هم به مذاکره و گفتگو پرداختند. مفتی‌زاده بر روی مذهب و دین احزاب اصرار می‌ورزیدند که مردم به تقوا و پارسایی و زهد دعوت شوند و احزاب هم وی را به عنوان رهبر مذهبی و چهره شهیر به وی احترام می‌گذارند و وی در برابر احزاب لائیک چپ ایستادگی می‌ورزید و دغدغه خویش را رشد بهائیه و گرویدن مردم به آیین بهاء و فعالان بهائیان اعلام داشت .

آخر الامر مفتی زاده در زندان اوین پس از 8 سال ، به سرطان مبتلا شد و در واپسین روزهای عمر آزاد شد و آنگاه آقای خمینی حکم تعقیب شیخ عزالدین را صادر کرد و سپس جنگ کردستان شروع شد و وی از آن سال تا به امروز در تبعید و غربت به سر می برد .

با او صحبت کردم ، به سختی و در بستر بیماری ، اما امیدوار و با ذهنیتی جویا و فعال سخن می گفت ، قبل از پرداختن به مساله کردستان ایران ، که به خاطر تاریخ معاصر کرد به تحقیق در آن زمینه پرداخته ام تا تاریخ شفاهی کردهای معاصر را جمع آوری کنم ، موضوع روز عراق مبنای بحث مان شد و چنین گفت این روحانی کرد زبانی ، که از آغاز تا امروز در تاریخ

معاصر کرد چهره ای آشنا و خیر ساز بوده است ، برایم سخن می گفت و به پرسش هایم پاسخ می داد و با وجود کهولت سن نمی خواست پرسشی را بدون پاسخ بگذارد .

هر چند من این گفت و گو را برای تحقیق دانشگاهی ام انجام دادم ، اما این سخنان را حیقم آمد که منتشر نشوند و در اختیار عموم قرار نگیرند

امروز بسیار دل شادم که در عراق مردم جامعه از زیر یوغ استبداد و قدرت و سلطه و انحصار رها شدند و کم کم تمرین آزادی و مدارا و رهایی را دارند ، عربها و کردها و شیعیان و قومیت ها عراق در کنار هم نشسته اند تا آینده خود را رقم بزنند و به سوی مردم سالاری و دموکراسی بشری گام بردارند و بدون شک هم در کردستان ما و منطقه ایران هم نفوذی غیر قابل انکار خواهد کرد ...

من هیچ دغدغه ای از حضور مذهبیون ندارم ، چون می دانم که نه کردها خواهان نفوذ دین و مذهب در قدرت خواهند بود و نه عربها چنین خواهند کرد ، چون باید دین از حکومت جدا باشد وگرنه هر دو فاسد می شوند ، چون در همه جای جهان دوران دین سالاری به سر آمده و دموکراسی و آزادی و دانش سخن اول را می زند ...

الآن در دنیای امروز بشری باید توجه کرد که دین و مذهب وسیله ای است در دست انسان برای سعادت او ، وگرنه اگر قرار باشد که مایه سلب رشد او شود ، به پیشزی نمی ارزد و باید مانند لنگه کفشی به دور انداخت ..... در دنیای امروز ما ، باید یاد گرفت که در جامعه دین محور و مذهب سالار ، نه سیاست و علم آزادی حرکت دارند و نه دین وسیله ترویج انسانیت است ، بلکه چماقی می شود در اختیار زورمداران تا به نام دین هر جرم و جنایتی را انجام دهند و سرپوشی مشروع هم به نام دین بیابند ، و در این نوع از خودکامگی ، دین آفت جامعه می شود . چون بیان رسمی از دین ، عین قدرت است و باید توجه داشت که بازیچه قرار دادن دین دیر یا زود جامعه را سرخورده و فاسد خواهد کرد و در دینی که من می شناسم ، نه آنچه که روحانیت قدرت مدار ایران می گوید ، آزادی و سعادت و آزادی بشر در اولویت است و کمترین محدودیتی برای آزادی انسان و خواسته های دموکراتیک آن وجود ندارد و هیچ گاه دین در برابر چیزی قرار نمی گیرد که قابل مقایسه باشد ، مانند آقایان که حقوق بشری را در برابر دین قیاس می کنند. و اصولا با هر آنچه که بر ضد موقعیت قدرت فاسد شده آنان باشد ، مخالفند و این سخن روحانیت خشک مغزی است که مخالف ترویج دموکراسی و حقوق بشر در جامعه بشری است .....

مردم عراق این الگوی حکومت دینی ایران را در پیش رو دارند و هر چند حکومت ایران خیلی خواهان نفوذ در حکومت آینده عراق است ، اما هر گز جامعه ای به سوی پس رفت و عقب ماندگی نخواهد رفت ، بلکه به کمک روشنفکران و مبارزان آزادیخواهش ، از جوامع پیشرفته و آزاد الگو می گیرد .

خوشحالم که کردها امروز در منطقه به عنوان قدرتی قابل تامل نگریسته می شوند و بدون حضور آنها حکومتها نمی توانند قدرت آراییی کنند ، اما باید گفت که در تاریخ ما چنین فرصتی منطقی و علنی برای کردها به وجود نیامده تادر کنار هم در صحنه جهانی شعور و خرد و دانش اموختگی خود را از صلح و حقوق بشری را به نمایش بگذارند و معتقدم کردها با رعایت روحیه دموکرات و دموکراسی خواهی خود می توانند هم خواسته های مدنی و اجتماعی خود را به دست آورند و هم مایه پیشرفت منطقه باشند .

امروز جامعه ما بسیار تغییر کرده است و باید توجه کرد که دیگر نباید هیچگاه نه فریب دین سالاری را خورد و نه مذهب محوری حکومت ، چون استبداد در این لباس ظاهر خواهد شد و آنگاه قدرت رشد افکار و ترقی اندیشه را از جامعه می ستاند . من در کردستان در آغاز انقلاب خواهان این روش دموکراتیک بودم ؛ اما آقای خمینی مخالف هر نوع آزادی بود و اصولا نمی خواست نظری خلاف خود را ببیند و بشنود و خاصه آنکه ما خواهان دموکراسی و رهایی جامعه بودیم و فدراتیو شدن ؛ خواسته ای که امروز مردم عراق آن را با صدا ی بلند فریاد می زنند

ما در ایران تجربه کردیم که در قالب دین ظاهر شدند و آنگاه به نام دین ، انسان خلیفه الله را به زنجیر و دام کشانیدند ، در کدام دین و مذهب به زیر یوغ گرفتن انسان مجاز است که من روحانی از آن بی خبرم ، من یک روحانی کرد زبان هستم که سالهاست در غربتم و تبعید ، اما حاضر به گفتگو با حکومت ولایت فقیه نشدم و هیچگاه هم زیر بار چنین خفتی نخواهم رفت ، یک عمر برای آزادی کوشیده ام و حال به چنین گفتاری تن نخواهم داد و هنوز بر آن عقیده روز اول مانده ام ، اما من در این سالها تغییر کرده ام و در ابعاد گسترده جامعه ام را می نگرم ، علم و آگاهی و آزادی راه نجات میهن را هموار می کند ، نه دین ولایت فقیه ، کسی که خود را جانشین و نماینده امام زمان می داند و امام زمان را نماینده خدا ، من با چنین جاعلانی بر سر میز گفت و گو نخواهم نشست و باور ندارم دینی که انان تظاهرش را دارند !

الآن شنیده ام که گروهی به نام های مختلف خواهان نزدیکی به بعضی جریانهای داخل حکومت ایران هستند و به این امید که می توانند به خواسته های خود دسترسی یابند ، اما تا زمانی که حکومت ولایت فقیه باشد و در همان اوایل انقلاب در کنار من چند شخصیت مذهبی دیگر هم بودند ، احمد مفتی زاده و شیخ عثمان ، اما شیخ در دربار شاه محبوب بود و کاری به حکومت نداشت و در دوران حکومت ایران هم بی ضرر بود ؛ مرحوم مفتی زاده را هم من دوست داشتم ، اما دو خطا داشت ، به جمهوری اسلامی باور داشت و حاضر به رنجاندن ما به نفع حکومت بود ، چون از ساده دلی باور می کرد سخنان پرفریب حکومت را .

**به هر حال تجربه های من در باره رابطه دین و حکومت زیاد است و اما نسل جوان ما باید هشیارانه بیاموزد و هیچگاه در مسیر غلط نیفتد ، این شناخت دیرکرد و تا خیر دارد ، اما سرانجامش بر کرسی خواهد نشست**

امروز کردها و یا بعضی از روشنفکران مساله فدرالیسم و دمکراتیسم را بیان می کنند ، اما هر کدام پیروز میدان باشد ، بساط مذهبیهون خشک اندیش منطقه بر چیده خواهد شد و این سخن بر اندیشه مردم حک می شود که انسان و سعادت و آزادی و رهایی او در اولویت است ...

ومن بسیار به رشد و ترقی و آیند خوشبینم چون ذهنیت ها باز تر شده است، کم کم عوامل تحریک کننده فقر و عقب ماندگی اقتصادی و عدم بهره‌وری و عدم سازگاری فرهنگی و ایدئولوژیکی کم رنگ خواهند شد و زیر بنای باز سازی تمدن آزاد و اصیل را فراهم خواهند کرد .

ادامه دارد....

---

**توجه : لطفا ، نظریات و عقاید خود را به این آدرس اعلام بفرمایید :**

[www.hasbohal.blogspot.com](http://www.hasbohal.blogspot.com)